

قبل از گرفتن دستمزد آدمکشی دستگیر شدیم



امیر علی حقیقت طلب
شده است. او و همدستش قاتلان اجاره‌ای بودند که همسر اول و دختر مقتول آنها را اجیر کرده بودند. شهر ریورامسال بود که رئیس یک بانک در غرب تهران با ضربات چاقو در اتاق خوابش به قتل رسید. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد قتل از سوی یک آشنا رخ داده و با گذشت یک ماه از جنایت دو قاتل اجیر شده همراه همسر و دختر اول مقتول دستگیر شدند و به جنایت اعتراف کردند. در ادامه، گفت و گو با عامل اصلی جنایت را می‌خوانید.

داخل خانه رفت و وقتی پدرش خوابید در را برای مان باز کرد. ما داخل شدیم و در حال سرقت اسناد بودیم که پنجره اتاق خواب با باد بسته شد و مقتول از خواب پرید و ما را در اتاقش دید. همدستم سیم مقتولی دور گردنش پیچید و من دو ضربه زدم تا ساکت شود و سر و صدا نکند. بعد هم چند ضربه دیگر را زدم که غرق در خون روی زمین افتاد.

بعد چه کردی؟

به سمت چیتگر رفتیم. آنجا لباس‌های مان را عوض کرده و به سمت کرج راه افتادیم. چاقوی خونی و دستکش را داخل رودخانه انداختیم و منتظر شدیم تا پیامک بدون متن برای مان ارسال شود و برویم دستمزد مان را بگیریم.

پیامک آمد؟

نه. قبل از این که دستمزد را بگیریم پلیس سراغ مان آمد و دستگیر شدیم.

ارزشش را داشت؟

قرار نبود او را بکشیم. قرار بود فقط اسناد را سرقت کرده و در نهایت او را خانه نشین کنیم ولی در صحنه جنایت مرد میانسال شروع به سر و صدا و

درخواست کمک کرد. اگر او را نمی‌کشیم با سر و صدایش دستگیر می‌شدیم.

دستگیری به عنوان دزد بهتر بود یا قاتل؟

آن موقع در شرایطی بودیم که به این چیزها فکر نمی‌کردیم. فقط می‌خواستیم سرقت کرده و فرار کنیم. آخرش هم بدون دستمزد قاتل شدیم.

تگفتی قرار بود چقدر دستمزد بگیرید.

نفری یک میلیارد تومان.

بعد از آزادی از زندان با او کف خیابان آشنا شدم. او هم مثل من معتاد کارتن خواب بود. بعد از دوبار مصرف مواد پیشنهاد جیب‌بری دادم تا خرج مان را در بیاوریم. او هم قبول کرد و شروع به سرقت کردیم.

چند سرقت انجام دادید؟

خیلی. دقیق یادم نیست، ولی هر بار بعد از سرقت مواد می‌خریدیم و یکی دو روز لاچپری زندگی می‌کردیم. پول مان که تمام می‌شد دوباره سرقت انجام می‌دادیم.

چه چیزی سرقت می‌کردید؟

بیشتر گوشی موبایل اما اگر کسی در جیبش پول نقد هم داشت آن را بر می‌داشتیم، البته این روزها کسی پول نقد زیاد حمل نمی‌کند. اولویت اول ما گوشی موبایل بود.

گوشی‌ها را چند می‌فروختید که هر دو یا سه روز مجبور بودید سرقت کنید؟

ما گوشی‌هایی که معمولاً ۱۲ تا ۱۵ میلیون قیمت داشت را یک تا ۱/۵ میلیون تومان به مالخر می‌فروختیم. چون عملی بودیم گوشی‌ها را مفت از ما می‌خریدند و ما هم برای این که خرج مواد مان در بیاید به هر قیمتی که مالخر می‌گفت می‌فروختیم.

بیشتر از چه کسانی سرقت می‌کردید؟

برای ما فرقی نداشت مرد یا زن باشد اگر گوشی‌شان برای سرقت در دسترس بودند می‌زدیم و کارمان را انجام می‌دادیم. حتی از چند نفر از اتباع هم سرقت کردیم.

مالخر را از کجا پیدا کردی؟

من قبلاً با دو مالخر کار می‌کردم. این بار هم سراغ‌شان رفتم و قبول کردند که از ما موبایل بخرند. وقتی دستگیر شدیم، پلیس آنها را هم دستگیر کرد.

می‌دانی مجازات چیست؟

باید به زندان بروم. من که پولی برای رد مال و گرفتن رضایت از شاکیان ندارم و حالا حالا باید پشت میله زندان باشم، البته شنیدم خیلی از اموال مسروقه از خانه مالخر پیدا شده و او هنوز بسیاری از اموال مسروقه را نفروخته است.

عکس‌ها: تزیینی است



گفت و گو با جیب‌بر حرفه‌ای جنوب تهران

سرقت می‌کردیم لاچپری زندگی کنیم!

گرد پیری روی صورت هر دو نفرشان نشسته و اعتیاد چهره‌شان را تکیده کرده است. از سه ماه قبل و بعد از آزادی از زندان کف‌خواب خیابان شدند و برای درآوردن خرج مواد مخدر با هم خرجش تصمیم به سرقت و جیب‌بری گرفتند اما بعد از سه ماه بار دیگر از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شدند. یکی از دو متهم بهتر از دیگری صحبت می‌کند و در گفت و گو با تپش راز سرقت‌های‌شان را برملا می‌کند. در ادامه، گفت و گو با جیب‌بر معتاد را می‌خوانید که این هفته رودروی او نشستیم.

خودت را معرفی کن

محمود ۵۰ ساله.

چهره‌ات اما پیرتر نشان می‌دهد.

اعتیاد ما را داغان کرد و چیزی از ما باقی گذاشته است.

چند سال است اعتیاد داری؟

۲۲ سال است که مواد می‌کشم. اول با تریاک شروع کردم که در میانسالی در سراغم نیاید اما خیلی زود تغییر مواد دادم و انواع مخدرها را کشیدم. هروئین، شیشه و کراک مصرف کرده‌ام.

خانواده‌ات می‌دانستند؟

روزی که شروع به کشیدن هروئین کردم خانواده‌ام فهمیدند و من را طرد کردند. چند سال است که از آنها خبر ندارم و کف خیابان می‌خواهم.

سابقه داری؟

پنج بار دستگیر شدم. سه بار به خاطر مواد و دوبار هم سرقت.

چه چیزی سرقت می‌کردی؟

هرچه دم دستم می‌آمد سرقت می‌کردم و با پولش مواد می‌خریدم.

این بار به چه جرمی دستگیر شدی؟

جیب‌بری.

چطور سرقت می‌کردی؟

با همدستم به محل‌های شلوغ شهری مثل حرم، بی‌آرتی و مترو می‌رفتیم. همدستم به طعمه تنه می‌زد و بعد برای این که عذرخواهی کند حواسش را پرت می‌کرد. من هم محتویات جیبش را سرقت می‌کردم.

با همدست کجا آشنا شدی؟